

وندهای زبان انگلیسی

پیشوندها و پسوندها

به همراه همتای پارسی و نمونه‌های کاربردی

به کوشش حامد قنادی

پیش‌گفتار:

با گسترش دانش و پیشرفت فن‌آوری، روزبه‌روز ارزش زبان و زبان‌شناسی برای مردم جهان شناخته‌تر می‌شود؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت: زبان جای‌گاه بسزایی در پیشرفت کشورها دارد. در این میان، زبان پارسی گرچه توانایی بسیار بالایی در واژه‌سازی دارد، لیک با برگردان کتره‌ای نوشته‌ها و نبود فرهنگستانی پویا، نتوانسته آن‌چنان که باید پرورش یابد.

بنیاد کار زبان‌های هندواروپایی بر شماری پیشوند، پسوند و نزدیک به ۱۵۰۰ ریشه است که به یاری این ریشه‌های کم‌شمار به برآورد دکتر حسابی در نوشتار پُرآوازه‌اش، «توانایی زبان فارسی در معادل‌سازی»^۱ نزدیک به ۲۲۵۰۰۰۰۰۰ واژه می‌سازد. لیک واژه‌سازی در زبان‌های سامی به گونه‌ی دیگری است. واژه‌های این زبان‌ها از شماری ریشه‌ی سه‌واتی و چهارواتی گرفته شده است. در گونه‌ی خوش‌بینانه، دست‌بیش ۲۵۰۰۰ ریشه خواهند داشت که اگر ۷۰ جدا‌مده‌ی (=مشتق) ریشه را برای هریک در نگر بگیریم، بیشینه‌واژه‌ای که می‌توان ساخت از ۱۷۵۰۰۰۰ فراتر نخواهد بود. این کران‌مندی، زبان را ناگزیر به بهره‌گیری بی‌رویه از وام‌واژه‌ها می‌کند. چیزی که زبانی هم‌چون پارسی، هیچ‌گاه نیازمند آن نخواهد بود. هرآینه، به یادسپاری کم‌تر از ۱۰۰۰ پیشوند و پسوند و کمابیش ۱۵۰۰ ریشه بسیار ساده‌تر از ۲۵۰۰۰ ریشه‌ای است که زبان تازی برای ماندگاری خود نیازمند آن است.

تازیان، هتا برای واژه‌های دانشیک زبان خودشان، گه‌گاه از پارسی یاری می‌گیرند. برای نمونه، برابر تازی electric، کهربایی می‌باشد. هم‌چنین از ریشه‌ی چهارواتی کهرب مکهرب را ساخته‌اند.

شیوه‌ی ساخت دیگر واژه‌های دانشیک نیز بر همین شالوده است. برای نمونه برابر تازی واژه‌ی pasteurize، بیستر می‌باشد که از پاستور گرفته شده است. برای واژه‌ی computer که در پارسی به سادگی، رایانه جای‌گزین آن شده، در تازی ال‌کمپیوتر را به کار می‌برند، اگرچه واژه‌ی الحاسب ال‌کترونی نیز کاربرد دارد!

همه‌ی این واژه‌های کم‌جان، ارزشِ وندها را می‌رساند که زبانِ زیبا و پُر توانِ ما از هستی‌اش برخوردار است. در این نسک، کوششِ برین بوده که وندهایی که در زبانِ همگانی و دانشیکِ انگلیسی کاربرد دارد، در پارسیِ بازیابی شود تا در گستره‌ی واژه‌های گوناگونی که روزه‌روز به زبانِ ما می‌تازند؛ پیروزمند بیرون آییم.

پیشوند ها

A

a(n)-

همتا: بی، نه، آ، ان^۲

نمونه‌ها:

Anarchy: an + archy = (نابه‌سامانی، هرج و مرج، ولنگاری، آشفتگی)

Atonality: a + tonality = بی‌مایگی، بی‌نواختی

Asexuality: a + sexuality = بی‌ژادگانی، بی‌گنی (بی‌جنسی)

Amoral: a + moral = (غیراخلاقی) نه‌میشی، آخویی

ab-

روشن‌گری: این پیشوند پیش از هم‌خوان‌های c، p و t به‌سان abc- می‌آید و در لاتین هردو به چم^۳ "دور، کنار (از)" بوده‌اند. این پیشوند، نخست زیر نام یک وام‌واژه‌ی فرانسه‌ی میانه در انگلیسی میانه به کار برده شد و سرانجام، در واژه‌های دانشیک، پزشکی از آن بهره گرفته شد.

۲- این پیش‌وند به همین ریخت -آ(ن) - در اوستایی و پهلوی نیز کاربرد داشته:

انیرانی: آن + ایرانی = نایرانی، بیگانه

انوشه: آن + اوشه = بی‌مرگ، نمیر

اناهیتا: آن + آهیته = پاک، نیالوده

نمونه‌های دیگر:

آوردن: آ + وِردن (بُردن)

آکندن: آ + کندن (گود کردن) به چم پُر کردن

۳- چم: معنی

همتا: دور، کنار، آف، اپا^۴

نمونه‌ها:

Abdicate: ab + di + cate = کناره‌گیری، واگذاری

Abduction: ab + duct + ion = دورشدگی (فرابری)

Absolutism: ab + solute + ism =

اپامیخته‌گری، نیامیخته‌سالاری (ناب‌گری / خودکامگی)

Acanth (o)-

همتا: خار

نمونه‌ها:

Acanthopterygian: acantho + pterygian = خاربال

Acanthoid: acanth + oid = خارگونه

Acanthocephalan: acantho + cephalan = خارسر

acet (o)-

همتا: سرکه، ترشی

نمونه‌ها:

Acetometer = aceto + meter = سرکه‌سنج، ترشی‌سنج

Acetous = acet + ous = سرکه‌دار

acr (o)-

همتا: فراز، بالا، تیز، تارک

نمونه‌ها:

۴- پیش‌وند اف پارسی گرفته شده از اپا، در آشکار با ab- انگلیسی، هم‌ریشه می‌نماید. این پیشوند در واژه‌های افدُم و افگندن پارسی به چم "جدا و دور" به کار رفته است. پیش‌وند اف هم‌چنین دگر یافته‌ی پیش‌وندهای abi- و ava نیز می‌باشد که در واژه‌های افروختن، افسر، افسار و ... به کار رفته است.

Acrocephaly: acro + cephalo = تیزسری

Acropolis: acro + polis = فرازشهر (دژ در شهرهای یونان)

Acrogen: acro + gen = تارکزا

actino-

همتا: تابش، پرتو

نمونه‌ها:

Actinography: actino + graphy = پرتونگار، تابش‌نگار

Actinoid: actin + oid = پرتوگونه

Actinology: actino + logy = پرتوشناسی، تابش‌شناسی

ad-

روشن‌گری:

در واژه‌های لاتین بنیاد، پیش از c و q می‌شود: ac- پیش از f می‌شود: af- پیش از g

می‌شود: ag- پیش از l می‌شود: al- پیش از n می‌شود: an- پیش از p می‌شود: ap- پیش

از r می‌شود: ar- پیش از s می‌شود: as- پیش از t می‌شود: at- پیش از sc, st, sp

می‌شود: a-

همتا: به، فرا، پیش

نمونه‌ها:

Adrenal: ad + renal = فراغلوهای

Aden (o)-

همتا: زخ، دژپیه، غده

Adenocarcinoma: adeno + carcinoma = زخ‌چنگار (غده‌ی سرطانی)

۵- زخ، سبک‌شده‌ی آرخ در پارسی به چم "خال گوشتی" و یا "تکه گوشتی که از پوست مردم پدید آید"، می‌باشد.

Adenoid: aden + oid = زخ گونه

Adenosis: aden + osis = زخ رنجی (بیماری غده‌ای)

دنباله دارد ...

یاری‌های دانشیک خود را به رایانامه‌ی hamed.parsi@gmail.com و یاری‌های پولی خود برای چاپ این نسک ارزنده را به شماره‌ی بانکی ۹۹۸۰۰۰۳۵۱۲ جاری طلایی بانک سپه بفرستید.

سپاس گزارم:

حامد قنادی

پالایش زبان پارسی
www.parsi-l.com